

□

---

## روش‌های مناظره با وهابیت

مهدی فاطمی نیا

□

◀ چکیده:

موضوع مناظره و مجادله برای روشن‌گری، افزون بر دارا بودن پایه‌ای عقلانی و سابقه‌ای به درازای عمر بشر، یکی از روش‌های تبلیغی و ریشه‌دار است که قرآن و سنت و فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام آثار مفید و نیکوئی برجای گزینزارده و خاصیت روشن‌گری آن سبب شده تا علما در تاریخ اسلام، بدان، توجه خاصی داشته باشند. از این رو فرهنگ مناظره بین فرق و پیروان مذاهب اسلامی، زیربنائی محکم و استوار دارد تا بر اساس آن بتوان به ریسمان الهی، چنگ زد و افرادی را به نور حقیقت رهنمون کرد.

البته تحقق این امر به آداب و شرائطی، وابسته است که در این مقاله ضمن برشمردن آنها، به بیان ویژگی‌های مناظره با افراد وهابی و نیز روش آنها در این فن، پرداخته می‌شود. توجه به منابع، شفافیت در بیان عقیده و رعایت نکات اخلاقی از جمله آداب مناظره‌ی حق و مؤثر است. گرچه تقلید کورکورانه، تقطیع احادیث اهل بیت علیهم‌السلام، نسبت دادن عقاید دیگران به شیعه و داوری بدون گاهی از منابع مستند و معتبر از جمله ویژگی‌های افراد وهابی در مناظره است.

**کلیدواژه‌ها:** مناظره، سیره اهل بیت علیهم‌السلام، روش مناظره، جدال

احسن، وهابیت.

## ◀ دیباچه

یکی از روش‌های تبلیغی برای دفاع از عقاید و معارف اسلامی، روش مناظره و جدال احسن با مخالفان است؛ روشی که با وجود زمینه مناسب و داشتن ویژگی‌ها و شرائط لازم، می‌تواند در زدودن افکار و اوهام غلط، از ذهن طرف مقابل، مؤثر باشد. از آنجا که امت اسلامی درباره مناظره و مسائل آن اختلاف دارند، برای اعتبار بخشیدن به آن و روش‌هایی که در آن به کار گرفته می‌شود، رجوع به متن قرآن و سنت، ضروری است تا مطابقت و موافقت آن با روش‌هایی که قرآن و سنت بیان کرده، روشن شود.<sup>۱</sup> بنابراین برای اعتباربخشی به مناظره، هم از جهت محتوایی و هم روش شناختی فن مناظره باید به قرآن و سنت مراجعه کرد و در صورت دوری از این مبانی مشترک و گریز از آنها، غرض روشن‌گری و تنویر افکار، نقض می‌شود و دعوت به پذیرش حق، کاری بیهوده و بدون اثرگذاری مثبت خواهد بود.

## ◀ یک: مفهوم شناسی

### (الف) تعریف و تبیین مناظره

مناظره، به معنای کشمکش و مجادله کردن است.<sup>۲</sup> زبیدی در تاج العروس در معنای مناظره می‌نویسد: «والمناظرة: أن تناظر أخاك في أمر إذا نظرتما فيه معا كيف تأتيا»<sup>۳</sup>؛ مناظره یعنی اینکه که با برادر خود در موردی به گفت و گو بنشینید تا ببینید به چه نتیجه‌ای می‌رسید. و جدال به طوری که در مفردات آمده، سخن گفتن از طریق نزاع و غلبه جویی است؛<sup>۴</sup> گوئی انسان در صدد است تا رقیب خود را از آنچه باور دارد، منصرف کند.

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء: ۵۴): ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اطاعت کنید از خدا و اطاعت کنید از پیامبر خدا و از اولو الامر [= اوصیای پیامبر] و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آنها داوری بطلبید)؛ اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید. این (کار) برای شما بهتر، و پایانش، نیکوتر است.

۲. معلوف لویس، المنجد، ترجمه: مصطفی رحیمی نیا، ج ۲، ص ۱۱۵۱.

۳. الزبیدی، تاج العروس، ج ۷، ص ۵۳۷.

۴. راغب اصفهانی، المفردات، ماده جدل، ص ۸۹.

اما مناظره در اصطلاح، به فنی گفته می‌شود که در آن، از شیوه‌های گوناگون و از مقدمات مشهور، برای اقناع خود مخالف، کمک گرفته می‌شود. مناظره از لحاظ مصداقی، با مجادله تفاوتی ندارد و مناظره‌کننده و مجادله‌کننده هر دو به گفتگو با همدیگر می‌پردازند و مقصود هر دو، اقناع و ساکت کردن حریف خود است<sup>۱</sup> و به هر حال امروزه در فرهنگ فارسی، از واژه مناظره با عنوان گفتمان نام می‌برند که گاه افراد به صورت فردی یا گروهی، تخصصی یا عمومی، برای اثبات حقانیت باورهای خویش در زمینه‌های مختلف، به بیان دلیل و حجت می‌پردازند.

### ب) مناظره از نظر قرآن

با توجه به آیات مربوط به مناظرات پیامبران بزرگی همچون حضرت ابراهیم و حضرت موسی علیه السلام و نیز آیاتی که خدا در آنها به پیامبر اسلام، به جدال دستور می‌دهد،<sup>۲</sup> این گونه به دست می‌آید که انبیاء الهی در مناظرات خود با خصم، روش جدال احسن را - روشی که در آن از مسلمات صادق و دلایل روشن استفاده می‌شود - بکار گرفته‌اند. خداوند متعال به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم برای جدال احسن، چنین می‌فرماید: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾<sup>۳</sup>؛ با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن!

علامه طباطبائی رحمته الله در این باره می‌فرماید: «چیزی که هست، خدای تعالی موعظه را به قید حسنه مقید ساخته و جدال را هم به قید «بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» مقید نموده است، و این، خود دلالت دارد بر اینکه بعضی از موعظه‌ها حسنه نیستند، و بعضی از جدال‌ها حسن (نیکو) و بعضی دیگر احسن (نیکوتر) و بعضی دیگر اصلا حسن نیستند و گر نه خداوند موعظه را مقید به حسن و جدال را مقید به احسن نمی‌کرد.»<sup>۴</sup>

۱. رک، علامه حلی رحمته الله، الجوهر النضید فی شرح منطق التجرید، ص ۳۵۰؛ المفردات، ماده نظر،

ص ۴۹۸ و محمدرضا مظفر، المنطق، ص ۳۳۵.

۲. بقره: ۲۵۸؛ انعام: ۷۵-۸۳ و طه: ۴۴.

۳. نحل: ۱۲۵.

۴. محمدحسین طباطبائی، تفسیر المیزان، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۲، ص ۵۳۴.

بنابراین با توجه به سخن علامه طباطبائی رحمته الله علیه جدال و مناظره از نظر قرآن به دو نوع حق و باطل و ممنوع و غیرممنوع تقسیم می‌شود. بررسی متون دینی نیز همین نتیجه را در پی دارد؛ از همین روی امام صادق علیه السلام در پاسخ به برخی از اصحاب‌شان درباره تفاوت مناظره احسن و غیراحسن، چنین فرمودند:

معنای مجادله احسن این است که شبهه مخالف و اعتراض طرف، طوری که مطابق فهم اوست، پاسخ داده شود و بطلان حرف او از راه حق، آشکار گردد.<sup>۱</sup> اما جدال ممنوع و غیر احسن، این است که در مقام احتجاج، به خاطر اسکات و الزام طرف، حقی را انکار و یا ابطال را معترف شوند، مثل اینکه طرف، در برهان خود، حرف صحیحی می‌زند و شما از ترس اینکه مبدا مطلوب او ثابت شود، جمله صحیح و حق او را نیز رد کنید و یا با سخن باطل دیگری جواب دهید.<sup>۲</sup>

آنگاه که مناظره‌کننده با بیانی رسا و دلالتی روشن از خود دفاع کرده، یا نظریه‌ای را مخدوش می‌سازد، بر طرف مقابل و هر شنونده‌ای، تسلیم و پیروی از قول حق، لازم است: قرآن کریم نیز بر پذیرش سخن درست، تأکید کرده، می‌فرماید: ﴿فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ﴾؛ پس بندگان مرا بشارت ده! همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند. الگو گرفتن از پیشوایان دین در این باره و استفاده از تجربه‌های آنان در این راه می‌تواند برای شناخت مناظره و جدال حق و احسن، مؤثر باشد.

### ج) سیره ائمه علیهم السلام و علما

عقلا و دانشمندان، جدال و مناظره را در جایگاه روشی در جهت اثبات و احقاق حق، برای افرادی متخصص با شرایط ویژه، تأیید و از آن، تمجید کرده‌اند. البته استفاده از جدال، به صورت روشی تبلیغی برای اسلام، زمانی ضروری است که فرصتی برای نفوذ کلام حق نبوده و نیز پند و اندرز، کارایی نداشته باشد. از این

۱. طبرسی، الاحتجاج، ترجمه: حسن مصطفوی، ج ۱، ص ۲۹.

۲. همان، ص ۲۷.

۳. زمر ۱۷-۱۸.

رو پیشوایان دین، همچون پیامبر اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام در موارد خاصی که شرائط، آماده بود، یا اینکه دشمنان آنها را به حضور در مجالس مناظره، وادار می کردند، شیوه مجادله احسن را برای تبلیغ اسلام به کار بسته اند. همواره خلفا و علمای اهل سنت، با اغراض گوناگونی مجالسی را آماده ساخته، بسیاری از دانشمندان ادیان و مذاهب را به مناظره با هر کدام از امامان شیعه، دعوت و آنان نیز با گفتگو و با روشن گری های خود، مسیر رشد و توسعه فرهنگ اسلام ناب را هموار می کردند بسیاری از منابع و مستندات فقهی و کلامی شیعه در همین مناظرات، نهفته است و افزون بر این، ائمه معصومین علیهم السلام در این گفتگوها عملاً شیوه مناظره با مخالفان را به پیروان خود می آموختند. سیره نویسان و تاریخ نگاران، جزئیات مناظرات پیامبر اسلام ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام را با مخالفان، ثبت کرده، بسیاری از علما کتاب های مستقلی را در این باره که دربردارنده ی مناظرات ایشان است - همانند احتجاجات - نگاشته اند.

افزون براین، یکی از روش های تبلیغی علمای شیعه، مناظره بوده که آثار و فوائد بی شماری داشته و هزاران نفر با مطالعه کتاب ارزشمند «المراجعات» علامه شرف الدین بالله - مناظره ای کتبی با یکی از مفتیان بزرگ اهل سنت - به حق گرویده اند. همچنین مناظره ی کوتاه علامه حلی بالله با دانشمندان اهل سنت در ایران موجب شد تا بسیاری از مردم ایران در آن زمان، مذهب شیعه ی امامیه را بپذیرند.<sup>۱</sup>

## ◁ دو: آداب و شرائط مناظره علمی

### آگاهی از منابعی که دوطرف مناظره آن را قبول دارند

یکی از شرائط اساسی مناظره علمی، آگاهی داشتن کامل و نسبی از باورها و اصول اعتقادی و منابع علمی خود و طرف مخالف است؛ چرا که بدون آگاهی از این منابع نمی توان طرف مقابل را قانع و هدایت و عقیده ای را اثبات و یا باور نادرستی را تخریب کرد. نتیجه آنکه، شناخت علمی از زوایای گوناگون عقاید و ادله کلامی خود و طرف مقابل، زمینه ای برای اقتناع خصم (مخالف) است. در مناظره

۱. برای آگاهی بیشتر، ر. ک: احتجاج شیخ طبرسی بالله الفصول المختارة من العیون و المجالس سید مرتضی بالله؛ المناظرات بین فقهاء السنة و فقهاء الشيعة مقاتل بن عطية و العیون و المجالس از شیخ مفید بالله و شهبای پیشاور در دفاع از حریم تشیع سلطان الواعظین شیرازی.

با اهل سنت اگر طرف مناظره، شخصی وهابی ست، باید به منابعی که او قبول دارد، استدلال کرد و نه هر منبعی که به اهل سنت، مربوط است؛ چرا که ممکن است از دیدگاه او، آن منبع مورد نظر، مقبولیت و مشروعیت نداشته باشد، پس شناخت مبانی اختلافی بین فرقه‌های به هم نزدیک مثل وهابیت و هر کدام از فرقه‌های اهل سنت، ضروری ست. در اینجا می‌توان گفت، قدرت شناخت متشابهات و به هم نزدیک و همانند، و توان‌مندی بر فصل‌بندی<sup>۱</sup> و بیان خواص هر یک، برای مناظره‌کننده امری ضروری ست؛ مثلاً، اگرچه بین وهابیت و اهل سنت و مخصوصاً اهل حدیث در مسائلی همانند تجسیم و تشبیه، نقاط مشترکی وجود دارد اما با دقت در این مطلب و شناخت زوایای گوناگون این بحث، مناظره‌کننده از خلط در مبحث، در امان می‌ماند.

### شفافیت در بیان عقیده خویش

از جمله شرایط مناظره، تبیین شفاف ادعا پیش از بیان ادله و اثبات آراء و عقاید خود و رد عقیده طرف مقابل است؛ چرا که بیان و تبیین عقاید، مبنای مناظره است و مناظره‌کننده بر اساس آن، به دفاع از خویش، برخاسته و یا به نقد نظر طرف مقابل می‌پردازد. لذا بیان شفاف عقاید، زمینه را برای رد یا اثبات هر اندیشه‌ای، فراهم و وجود هر گونه ابهام در بیان عقاید، انتخاب درست و نتیجه‌گیری صحیح را بسیار سخت می‌سازد.

### تعیین محدوده بحث

تجربه، ثابت کرده، پراکنده‌گوئی به هنگام گفتگو موجب سردرگمی دو طرف می‌شود. مناظره باید به گونه‌ای باشد که ابتدا محدوده بحث، معین شده و سپس دو طرف، درباره آن به گفتگو پردازند. همچنین نباید قبل از نتیجه‌گیری و پایان موضوع، به سراغ موضوع دیگری رفت. بنابراین نباید مباحث کلامی و شاخه‌های مختلف‌اش، مباحث تاریخی و جزئیات گوناگون‌اش و مباحث فقهی و مبانی

۱. رک: علامه حلی رحمته الله علیه الجوهر النضید فی شرح منطق التجرید، ص ۳۵۹.

متعدد داش، را به هم آمیخت، و باید درباره هر کدام از اینها به طور جداگانه گفتگو کرد؛ سیره پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم‌السلام مؤید این مطلب است.<sup>۱</sup>

### رعایت نکات اخلاقی

توجه به نکات اخلاقی، از مهم‌ترین شرایط ضروری مناظره است و تجربه نشان می‌دهد، بسیاری از افرادی که به حق، گرایش یافته و آن را پذیرفته‌اند، بیشتر، از اخلاق نیک طرف مقابل، تأثیر پذیرفته‌اند. این امر تا آن حد، مهم است که خداوند متعال به حضرت موسی علیه‌السلام از پیامبران اوالعزام، دستور می‌دهد برای مناظره با فرعون با او با اخلاق نیکو گفتگو کرده و با کلامی دلنشین و نرم، سخن بگوید: ﴿فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى﴾<sup>۲</sup>.

مناظره با فردی که طاغوت محض است و کسی که ندای ﴿أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى﴾ سر می‌دهد، سخت است اما با استفاده از اخلاق نیکو احتمال هدایت‌گری هر کسی حتی فرعون وجود دارد؛ زیرا افرادی به سبب جهل، از مسیر حقیقت، دور شده و با قدری روشن‌گری و با روشی احسن، غبار جهل آنها زدوده می‌شود. زندگی ائمه اطهار علیهم‌السلام و علمای بزرگ شیعه، پر است از این‌گونه درس‌های اخلاقی. امام صادق علیه‌السلام با مخالفان خود و حتی با ملحدان، با کمال ادب و احترام به مناظره می‌پرداخت و شاگردان خود را نیز به همین روش، توصیه می‌فرمود و افرادی همانند هشام بن حکم و دیگران از پرتو نور اخلاق ایشان، هدایت شدند. از این رهگذر می‌توان چند نکته ویژه اخلاقی، برای به کار بستن در بحث و گفتگو چنین برشمرد:

### ◁ یکم: هدف از مناظره «احقاق حق» باشد

در هر مناظره‌ای؛ اگر مناظره‌کننده و طرف مخالف، دلایل روشن و مسلمات صادق، استفاده کنند و همچنین اگر در مناظره‌ای، عناد و لجبازی نباشد و با هدف دستیابی به قول حق، صورت گیرد، بی‌شک، غبار جهل را از ذهن هر شنونده‌ای خواهد زدود. در غیر این صورت، مناظره می‌تواند تأثیر وارونه و منفی به دنبال

۱. برای آگاهی بیشتر در این باره به احتجاج شیخ طبرسی رحمته‌الله مراجعه شود

۲. طه: ۴۴.

داشته باشد و ممکن است به سست شدن عقاید برخی بینجامد به همین دلیل، ائمه اطهار علیهم السلام کسانی را که شرائط و ظرفیت مناظره را نداشتند از انجام آن به صورت داوطلبانه، نهی می کردند!

### ◁ دوم: رعایت ادب و توهین نکردن به مقدسات همدیگر

بدون تردید می توان گفت، رعایت ادب و احترام در مناظره، زمینه برای پذیرش و یا حداقل گوش دادن به سخنان همدیگر را فراهم می کند روشی که سیره عملی اهل بیت علیهم السلام بر آن استوار بوده اگرچه مخالف، از دشمنان آنها محسوب می شد اما آنان بدون توجه به مسلک و مرام شخص، در نهایت و کمال تکریم برخورد می نمودند و همگان را نیز به این روش توصیه می نمودند.

نمونه آن را می توان در رفتار امیرالمؤمنین علی علیه السلام دید که در مواجهه و گفتگو با مخالفان و حتی دشمنان خود همانند خوارج، با آرامش و اخلاقی نیکو، با آنها سخن می گفتند.<sup>۲</sup> با پیروی از سیره اهل بیت علیهم السلام بسیاری از علمای شیعه و سنی بر همین روش بوده اند. نمونه ای از این ادب و احترام را می توان در مناظره و مکاتبه علامه شرف الدین رحمته الله و شیخ سلیم البشیری شیخ الازهر مصر در کتاب المراجعات می توان معرفی نمود

۱. امام صادق علیه السلام در جواب یکی از اصحابشان که به امام گفت: به من خبر رسیده که شما مناظره با مردم را ناپسند می دانید، فرمودند: «اما کلام کسی مثل شما (برای مناظره) ناپسند نیست؛ کسی که به هنگام اوج، به خوبی فرود می آید و در فرود، به خوبی پرواز می کند (کنایه از فراز و نشیب نیکو در گفتگو). پس کسی که این گونه باشد مناظره اش را ناپسند نمی دانیم». (بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۳۶) و نیز امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید: «در محضر حضرت صادق علیه السلام گفته شد که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از مجادله و مباحثه در دین، نهی فرموده است. امام صادق علیه السلام فرمود: "از مناظره، به صورت مطلق، نهی نشده بلکه از جدال غیر احسن، نهی شده است؛ آیا نشنیده اید کلام خدای عزوجل را که فرموده: ﴿لاتجادلوا اهل الکتاب الا بالتی هی احسن﴾ (عنکبوت: ۴۶)؛ با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است مجادله نکنید... پس مناظره احسن با دین، پیوند خورده است و جدل غیر احسن، حرام است که خدای تعالی آن را بر پیروان ما حرام کرده است. (الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۱، ص ۱۴)

۲. رک: الاحتجاج علی اهل اللجاج، احتجاجات امیرالمؤمنین علیه السلام.



### ◀ سوم: داشتن گمان نیک در روش تفسیر متون و سخنان طرف مناظره

کسی که دل به حقیقت، بسته و جویای کمال و هدایت‌گری ست، اصل اول در برداشت از سخن دیگران را برخوش‌گمانی و حسن‌نیت می‌گذارد و سخنان رقیب خود را در نخستین برخورد، بر معنای منفی و مورد نظر خویش، حمل نمی‌کند؛ همچنان که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «لَا تَطْنَنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَحَدٍ سَوْءًا وَأَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مُحْتَمَلًا»؛ شایسته نیست به سخنی که از دهان کسی، خارج شد، گمان بد ببری، چرا که برای آن، برداشت نیکویی نیز می‌توان داشت.

لیکن شیوه وهابیت، دقیقاً برخلاف این قاعده است؛ آنان بر این مسئله اصرار دارند که کلام شیعیان را برطبق مراد و مطلوب خویش، تفسیر نمایند، اگرچه خود صاحب سخن، آن را نپذیرد. برای تأیید ادعای خویش جمله‌ای از محمد بن عبدالوهاب نقل می‌کنیم، وی در کشف الشبهات می‌نویسد: <sup>۲</sup> «اگر مخالف ما بگوید کفار، بت پرستان در حالی که من شهادت می‌دهم تنها خداوند، نفع رساننده، ضرر رساننده و مدبر است و من جز او را نمی‌پرستم و صالحان در این امر، نقشی ندارند، اما من آنها را به قصد شفاعت در درگاه الهی واسطه قرار می‌دهم، جوابش این است: این گفته با گفته کفار، کاملاً یکسان است.» هر چند که بین سخن مؤمنان و باور مشرکان، فرق کلی وجود دارد اما محمد بن عبدالوهاب می‌توانست این کلام مؤمنان را به گونه‌ای دیگر تفسیر کند تا به کفر مسلمانان نینجامد.

### ◀ چهارم: پیامدهای منفی بی‌اخلاقی در مناظره

الف: بی‌اعتمادی و سستی در ذهن مخاطبان؛ به دلیل اینکه بسیاری از پیروان مذاهب، بر اساس اعتماد و اطمینان به علما و مناظره‌کنندگان، داوری می‌کنند، از این رو اگر کسانی بر اساس تهمت، دروغ بستن و ناسزاگفتن یا تکفیر مخالف خود، گفتگو کنند، هر چند به ظاهر، پیروز میدان شوند، لیکن پس از کشف حقیقت اتهام، موجبات بی‌اعتمادی و چه بسا سستی در عقاید و باور عده‌ای فراهم می‌شود.

۱. سیدرضی، نهج البلاغه، حکمت ۳۶۰.

۲. محمد بن عبد الوهاب، کشف الشبهات، ص ۲۰.

ب: مشروعیت بخشی به برخی از مفاسد اخلاقی؛ بد اخلاقی در گفتگو، زمینه را برای عادی شدن و از بین رفتن قبح برخی مفاسد اخلاقی فراهم می کند. تهمت زدن و هتاکی نسبت به مخالف را اگر چه به خاطر تعصبات مذهبی یا مصلحت ورزی و یا با این دلیل که «هدف، وسیله را توجیه می کند»، باشد، بی تردید شارع مقدس تأیید نمی کند، همان گونه که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «مَا ظَفَرَ مَنْ ظَفَرَ الْأَيْمُ بِهِ وَالْغَالِبُ بِالْشَّرِّ مَغْلُوبٌ؛ پیروز نشد آن کس که گناه به دست او چیرگی یافت، و آن کس که با بدی، پیروز شد، شکست خورده است.»<sup>۱</sup> و نباید از مخالفان هم انتظار داشت که از این شیوه استفاده نکنند، آنان نیز به گمان اینکه برحق اند، حریف خود را هدف ناسزا و انواع تهمت های گوناگون قرار می دهند.

ج: داوری منفی دیگران درباره اسلام؛ بر اساس نگاه یگانه ای که غیر مسلمان ها به همه مذاهب اسلامی دارند، نحوه گفتگو میان پیروان اسلام، نباید بستری را فراهم کند تا آنان ذهنیتی ناخوشایند درباره اسلام داشته باشند. بد اخلاقی به هنگام گفتگو این ذهنیت را به وجود می آورد و ممکن است موجب سستی به اسلام شود؛ آن وقت مناظره و گفتگویی که با هدف سرافرازی اسلام برپا شده بود، در جهت عکس آن، نتیجه خواهد داد.

---

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۲۷، ص ۷۰۷.



## ◀ سه) روش مناظره وهابیون

پس از بیان شرائط و ویژگی‌های مناظره و گفتگوی منطقی، به خوبی دانسته می‌شود که کدامین روش، به ملاک‌های جدال احسن، نزدیک است و چنگ زدن به کدامین روش ما را به هدف از مناظره - احقاق حق و تبیین معارف الهی - می‌رساند. از این رو، بررسی روش‌های مناظره وهابی‌ها نیز لازم است و مقایسه روش‌های مختلف شیعه و سنی در مناظره، مجالی ست برای قضاوت در این باره و فرصتی ست برای فهم و شناخت اندیشه‌های وهابیت. در این مجال به چند ویژگی از مناظره‌های وهابیت اشاره می‌شود.

### ۱- پیروی محض و تقلید از علمای گذشته در باورها و اعتقادات

از ایرادهای اساسی وهابی‌ها پیروی محض و تقلید از علمای سلف در امور اعتقادی و باورهای دینی ست. وجود اختلاف در بین علمای سلف و بزرگان کنونی وهابیت، به گونه‌ای ست که این اختلاف، سبب شده است تا آنان نتوانند به عقیده‌ای استوار و واحد، دست یابند. با این حال، روش آنها و بلکه ادعای آنان در بیان عقایدشان، پیروی محض و بی‌چون و چرا از سلف است؛ وجه تسمیه این فرقه به نام سلفی‌گری، شاهدی بر این مدعا ست. مهم‌تر اینکه وهابی‌ها هرگونه بررسی و ارزیابی عقلانی آراء و اندیشه‌های خود را به دلیل انتساب به سلف، امری ناپسند و مردود می‌پندارند. بر این اساس، مناظره و جدال با فرد یا گروهی که عقاید و باورهای خود را با اندیشه «عدالت سلف» شکل داده‌اند - که بی‌شک، طریقی غیر معصومانه برای هدایت و رشد کمال امت است - و با کسانی که تقدسی غیر عقلانی را برای بزرگان خود پذیرفته‌اند، بسیار دشوار و پیچیده است.

گفتنی ست، وهابیون هیچ گونه انتقادی را درباره شخصیت و آراء و افکار محمد بن عبدالوهاب بر نمی تابند و این بدان جهت است که هرگونه ایراد بر او را مخالفت با تمامیت فکری وهابیت می دانند؛ چرا که وهابیون چیزی غیر از اندیشه های محمد بن عبدالوهاب ندارند و همچنین پیروان وهابی گری، افکار محمد عبد الوهاب و خود را از هرگونه نقد و ارزیابی بی نیاز می پندارند و در واقع، پندارهای او نوعی سنگواره ذهنی را در وجودشان حک کرده است، و دل بستگی شدید به او و افکارش، سبب شده تا این پندارها به آسانی از ذهن آنها زدوده نشود.

## ۲- تقطیع احادیث اهل بیت علیهم السلام و سخنان علماء

وهابی ها برای اثبات ادعای خویش، تنها به بخشی از سخنان ائمه اطهار علیهم السلام و یا سخنان علمای شیعه که به نفع آنهاست، استناد می کنند؛ در حالی که اگر به صدر و ذیل آن احادیث و سخنان و به طور کلی به مجموعه آنها توجه شود، مطلبی بر خلاف مدعای آنان ثابت می شود؛ مثلاً، در حدیثی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمود: «همانا من و دوازده نفر از اولادم و تو ای علی، اوتاد زمین هستی»<sup>۱</sup> اما دکتر غفاری، یکی از علمای بسیار متعصب وهابیت، ایجاد شبهه ای واهی، در تقطیع این حدیث، کلمه «اوتاد» را برداشته و کلمه «امام» را جایگزین آن کرده<sup>۲</sup> تا با این کار، وانمود کند که شیعیان در تعداد امامان، اختلاف دارند. همچنین وی در قسمتی دیگر از این کتاب<sup>۳</sup> در مسئله رؤیت خدا، روایتی را از کتاب توحید شیخ صدوق این گونه نقل می کند:

«عن أبي بصير، عن ابي عبدالله عليه السلام؛ قال: قلت له: اخبرني عن الله عز وجل هل يراه

۱. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۵۸۶، باب ما جاء فی الاثنی عشر و النص علیهم:

عن أبي جعفر عليه السلام قال: «قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إني واثني عشر من ولدي و أنت يا علي زر الأرض يعني أوتادها و جبالها بنا أوتد الله الأرض أن تسيح بأهلها فإذا ذهب الأثنا عشر من ولدي ساحت الأرض بأهلها و لم ينظروا».

۲. محمد القفاری، أصول مذهب الشیعه، ج ۲، ص ۸۰۹.

۳. همان، صص ۶۶۸-۶۶۹.

المؤمنون يوم القيامة؟ قال: «نعم.»<sup>۱</sup> و در نقل روایت به همین مقدار بسنده کرده و از آن نتیجه گرفته است که امامان شیعه به رؤیت خدا معتقد بوده‌اند و شیعیان بر خلاف دیدگاه ائمه علیهم‌السلام روایت را نمی‌پذیرند!

آنچه غفاری نقل کرده، قسمتی از روایت است که در جهت خواست خودشان آن را انتخاب کرده است و ادامه روایت را که بخش اعظم آن است، حذف کرده است. در ادامه روایت، مراد از رؤیت، به روشنی تبیین شده است که مقصود امام علیه‌السلام از رؤیت، آنچه غفاری ادعا کرده، نیست، بلکه رؤیت قلبی، در نظر بوده است.<sup>۲</sup>

### ۳- نسبت دادن عقاید دیگران به طرف مناظره و نقد پندارهای خویش

یکی از روش‌های وهابیون در مناظره یا نوشتن کتاب علیه شیعیان و مسلمانان، این است که عقاید دیگر فرقه‌ها را به شیعه نسبت داده، و بر اساس آنها شیعه را محکوم می‌کنند؛ به طور مثال، برخی از غلات، امامان علیهم‌السلام را پیامبر نیز می‌دانند و البته امامان علیهم‌السلام نیز همواره آنها را لعن و از خود، طرد می‌کردند.<sup>۳</sup> شیعه امامیه نیز آنان را جزو خود نمی‌دانند اما با این حال، وهابیت می‌کوشد تا این باور باطل را به شیعه نسبت دهد.

وهابیون، گاهی نیز تصورات و توهمات و برداشت‌های غلط خود را به شیعه نسبت می‌دهند و بر اساس آن، شیعه را متهم می‌سازند؛ نقد تصویر نادرست از باور حریف، در واقع، نقد پندارهای خویش است و ابطال آن، هیچ فایده‌ای برای آنان ندارد؛ مانند این اتهام ناروا که شیعیان بعد از نماز به جای تکبیر، سه مرتبه عبارت

۱. عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قلت له: اخبرني عن الله عز وجل هل يراه المؤمنون يوم القيامة؟ قال: نعم، و قد رأوه قبل يوم القيامة. فقلت: متى؟ قال: حين قال الله: أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ؟ قالوا: بلى. ثم سكت ساعة. ثم قال: و إنَّ المؤمنين ليروونه في الدنيا قبل يوم القيامة! أَلَسْتُ تراه في وقتك هذا؟ قال أبو بصير: فقلت له: جعلت فداك! فأحدث بهذا عنك؟ فقال: لا فإنك إذا حدثت به فأنكر منكر جاهل بمعنى ما تقوله، ثم قدر أن ذلك تشبيه كفر، و ليست الرؤية بالقلب كالرؤية بالعين. تعالى الله عما يصفه المشبهون و الملحدون. (توحيد صدوق، ص ۱۱۷).

۲. رحمت الله ضیایی، وهابیت و تحریف میراث‌های علمی فصلنامه سراج منیر، سال اول، شماره ۴.

۳. رک: عبدالکریم شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۷۸-۱۷۷.

«خان الامین» را تکرار می‌کنند<sup>۱</sup>، در حالی که این جمله نه با عقاید شیعه، سازگاری دارد و نه در گذر تاریخ تا به حال، جزو سیره آنان به شمار آمده؛ بلکه تنها امری، ساخته و پرداخته گروهی از مخالفان شیعه برای بد جلوه دادن عقیده آنان است.

#### ۴- طرح پرسش‌های خارج از موضوع

همان‌طور که گفته شده از شرائط مناظره‌ی به حق و علمی، تعیین محدوده بحث است، بنابراین ضروری ست موضوع مناظره به طور کامل، روشن شود و در پی نتیجه‌ای که از آن گرفته می‌شود، موضوع دیگری آغاز شود. اما روش وهابیون بر خلاف این است؛ آنان برای طفره رفتن از نتیجه‌ای که معمولاً به ضرر آنهاست، پرسش‌هایی خارج از موضوع تعیین شده مطرح می‌کنند که با موضوع هیچ‌گونه ارتباط و تناسبی ندارد. به طور مثال، زمانی که مطلبی درباره فضائل اهل بیت علیهم‌السلام مطرح می‌شود، آنان موضوع احترام به صحابه را به میان می‌کشند و با این کار، موضوع قبلی، بدون نتیجه رها می‌شود یا لاقلاً نتیجه مطلوب را که به ضرر آنهاست، از ذهن می‌زدایند و البته این روش، غیر علمی و غیر اخلاقی ست. تاریخ امامان شیعه علیهم‌السلام نشان آن است که هنگام گفتگو ابتدا موضوع را مشخص و معین می‌کردند و به دیگران نیز چنین می‌آموختند.

#### ۵- تمسک به روایات ضعیف یا مجعول برای اثبات ادعای خود

رویکرد وهابیون به حدیث، روش ظاهرگرائی ست و کمترین تأثیر تمسک به روایات ضعیف و مجعول، آن است که آنها از این روش کهنه و چالش ساز، در مسیر برداشت از حدیث استفاده می‌کنند. اما اثر تخریبی این روش در مناظرات وهابیون با مخالفان، این است که احادیث ضعیف و مجعول را در جای گزینه‌های خالی از جواب صحیح، قرار می‌دهند، غافل از اینکه هیچ ادعائی با استفاده از چند روایت مجعول یا ضعیف، ثابت نمی‌شود. بنابراین در مناظره با وهابیون، شناخت

۱. محمد بن صالح العثیمین، القول المفید علی کتاب التوحید، ج ۱، ص ۲۳۲؛ شرح العقیده الطحاویة لابن جریرین، ج ۳، ص ۴۸۴؛ الإمام أبو عبید القاسم بن سلام، شرح رسالة کتاب الإیمان و شرح الشیخ عبد العزیز بن عبد الله الراجحی، ج ۱، ص ۲۹۸.

احادیث و آگاهی از مبانی رجالی آن، بسیار ضروری به نظر می‌رسد تا به کمک آن بتوان ادعاهای باطلی را که به روایات غیر معتبر مستند است، نقض کرد.

### تحریف منابع و حذف مستندات

بدترین و زشت‌ترین رفتار وهابیت، تحریف منابع و حذف مستندات است که مخالفان وهابیت می‌توانند به آنها استناد جویند؛ برای اثبات این موضوع می‌توان به این نمونه اشاره کرد؛ «الاذکار» اثر یکی از علمای بزرگ اهل سنت، به نام «نووی» است. وی در این کتاب، فصلی را به نام «فصل فی زیارة قبر رسول الله ﷺ و اذکارها» آورده و محقق این کتاب، شخصی به نام عبدالقادر ارناؤوط، در هر جایی از این فصل که کلمه قبر آمده به مسجد تبدیل کرده<sup>۱</sup> تا مستند مخالفان وهابیت را در

۱. فصل فی زیارة قبر رسول الله ﷺ و اذکارها.

متن عربی: اعلم أنه ينبغي لكل من حج أن يتوجه إلى زيارة رسول الله ﷺ، سواء كان ذلك طريقه أو لم يكن، فإن زیارتہ ﷺ من أهم القربات وأرجح المساعي وأفضل الطلبات، فإذا توجه للزيارة أكثر من الصلاة عليه ﷺ في طريقه، فإذا وقع بصره على اشجار المدينة وحرّمها و ما يُعرف بها، زاد من الصلاة والتسليم عليه ﷺ و سأل الله أن ينفعه بزيارته ﷺ و أن يسعده بها في الدارين و ليقبل: اللهم افتح علي أبواب رحمتك و ارزقني في زيارة قبر نبيك ما رزقته اولياءك و أهل طاعتك و اغفر لي و ارحمني يا خير مسئول؛ فصلی ست درباره‌ی زیارت قبر رسول خدا ﷺ و دعاهاى آن. بدان هر کس که به حج می‌رود، شایسته است به زیارت رسول خدا ﷺ و نیز برود، خواه قبر شریف آن حضرت در مسیر او باشد یا نباشد، زیرا زیارت ایشان از مهم‌ترین وسایل تقرب به خدا، سودمندترین کار و برترین اهداف است. پس زمانی که شخص زیارت آن حضرت را قصد می‌کند، [به‌جاست] در راه بر او درود فراوان فرستد و چون چشمش به درختان مدینه و حرم و علائم آن می‌افتد، بر درود و سلام بر آن حضرت بیفزاید و از خداوند بخواهد که این زیارت را برای او سودمند گرداند و به پاس آن، سعادت دنیا و آخرت را به وی عطا کند. و باید این ذکر را بگوید: خدایا: درهای رحمتت را بر روی من بگشای و به من در زیارت قبر پیامبرت، آن بهره‌ای را که به اولیا و اهل طاعتت می‌دهی، ارزانی بدار و بر من ببخشای و مرا از رحمت خود بهره‌مند ساز، ای کسی که بهترین خواسته درخواست‌کنندگانی. (الاذکار النوویة، یحیی نووی دمشقی، تحقیق: محیی الدین، طبعه دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ص ۳۳۳؛ این کتاب قبلاً نیز در سال ۱۳۷۵ق در قاهره چاپ شده است.

فصل فی زیارة مسجد رسول الله ﷺ. (تحریف این روایت به دست عبدالقادر ارناؤوط) نشر دارالهدی، ریاض، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق: اعلم أنه يستحب من أراد زيارة مسجد رسول الله أن يكثر من الصلاة عليه في طريقه فإذا وقع بصره على اشجار المدينة وحرّمها و يعرف بها زاد من الصلاة والتسليم عليه ﷺ و سأل الله أن ينفعه بزيارته لمسجده و أن يسعده بها في الدارين و ليقبل: اللهم افتح علي أبواب رحمتك و ارزقني في زيارة مسجد نبيك ﷺ ما رزقته اولياءك و اهل طاعتك و اغفر لي و ارحمني يا خير مسئول». و نیز محمد حسین هیکل، نویسنده مصری، در چاپ اول کتاب حیات محمد، ص ۱۰۴ این‌گونه آورده است: پیامبر اعظم ﷺ با اشاره به امام علی علیه السلام فرمودند: «إن هذا

مسئله زیارت قبور، از بین ببرد. نمونه‌های متعددی از تحریفات جدید وهابیت در کتب در دست مردم، موجود است.

#### ۷- جدایی افکندن بین شیعه و اهل بیت علیهم‌السلام

هر چند عقاید و باورهای شیعه کاملاً از معارف قرآن و سنت نبوی و اهل بیت علیهم‌السلام برگرفته شده اما مخالفان و مخصوصاً وهابیون، با هدف گسترش و نفوذ تفکر خود در بین شیعیان، می‌کوشند تا بین مکتب تشیع و راه و روش امامان‌شان، جدائی بیفکنند و چنین وانمود می‌کنند که روش ائمه علیهم‌السلام در روبرو شدن با بزرگان اهل سنت و نوع تفکرشان، چیزی غیر از ادعای شیعیان است. آنان حتی با بی‌پروائی تمام، روش اهل بیت علیهم‌السلام را موافق تفکر افراطی و انحرافی خود، دانسته و برای گمراه‌سازی دیگران، به گزیده‌ای از احادیث ائمه علیهم‌السلام، با حذف صدر و ذیل آنها استناد می‌کنند، تا جایی که از روایات ساختگی نیز استفاده می‌کنند. به طور مثال، برای اینکه ثابت کنند ایجاد بنا بر روی قبور، خلاف سنت است، به روایت ضعیف ابی‌الهیاج<sup>۱</sup> استناد می‌کنند که افزون بر وجود ضعف در سند آن،<sup>۲</sup> در فهم و دلالت روایت<sup>۳</sup> نیز به خطا دچار شده‌اند.

أخی و وصیتی و خلیفتی من بعدی، فاسمعوا له و اطیعوا؛ این، برادر من، وصی من و جانشین من بعد از من است. پس به او گوش فرا دهید و از او اطاعت کنید. اما در چاپ‌های بعدی این کتاب، مثل چاپ مکتبه النهضة المصریة، جمله «وصیتی و خلیفتی من بعدی» حذف شده است! (رحمت الله ضیائی، وهابیت و تحریف میراث‌های علمی فصلنامه سراج منیر، سال اول، شماره ۴).

۱. مسلم از یحیی بن یحیی، ابوبکر بن ابی شیبه و زهیر بن حرب؛ و زهیر از وکیع، او از سفیان، او از حبیب بن ابی ثابت، او از ابی وائل و او از ابی‌الهیاج اسدی نقل می‌کند که علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام به من فرمود: «تو را به مأموریتی می‌فرستم که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مرا، را به آن فرستاد؛ اینکه هیچ تمثالی نیابی مگر آنکه آن را نابود کنی و هیچ قبر مشرفی نیابی مگر آنکه آن را با خاک، مساوی سازی. (صحیح مسلم، ج ۳، کتاب الامر بتسویة القبر، ص ۶۱، السنن للترمذی، ج ۴، ص ۳۰۱، باب ما جاء فی تسویة القبور، السنن للنسائی، ج ۷، باب تسویة القبر، ص ۱۵۳).

۲. ضعف سند این روایت، به دلیل وجود چند نفر از روایان ضعیف است. همچنان که بزرگانی از اهل سنت، مانند احمد بن حنبل و عسقلانی در تهذیب التهذیب، ج ۱۱، ص ۱۲۵ این افراد را برای نقل حدیث، مورد اعتماد نمی‌دانند و آنها عبارت‌اند از: وکیع، سفیان ثوری، حبیب بن ابی‌ثابت، و ابی وائل اسدی. (به نقل از ملل و نحل، عبدالکریم شهرستانی، ج ۴، ص ۱۸۴)

۳. کلمه سویته در روایت، بر فرض معتبر بودنش، بر مساوی کردن و یکنواخت کردن دلالت دارد نه ویران کردن



بسیاری از کسانی که در صدد مناقشه و یا مکاتبه درباره اختلافات مذهبی هستند، متأسفانه به اظهار نظر در مسائلی روی می آورند که از رجوع نکردن آنان به منابع مستند و پذیرفته رقیبان مناقشه است، همچنان که رویکرد بسیاری از علمای وهابی در مناقشات مذهبی، بدین سو گرایش دارد؛ همانند رشید رضا که تحریف قرآن را به شیعه نسبت می دهد و می گوید: «و نقول: لکن رافضه الشیعه یزعمون أن ما بین الدفتین لیس کل کلام الله تعالی، بل حذف منه الصحابه بعض الآیات و سوره الولایه آی ولایه علی علیه السلام؛ ما می گوئیم: شیعیان می پندارند آنچه که بین این دو جلد (قرآن) قرار دارد، تمام کلام خداوند، نیست بلکه صحابه، برخی از آیات آن و از جمله سوره ولایت علی علیه السلام را حذف کرده اند. در صورتی که تمامی متون کلامی شیعه از چنین اتهام ناروایی پاک است.

#### ◁ نتیجه

حاصل آنکه، انسان برای روشن گری دیگران، پس از آنکه اثر پذیری پند و اندرز را در قلب مخالفان ندید، می تواند از شیوه مجادله و مناظره احسن که عقل و نقل، آن را تأیید کرده است، بهره ببرد اما اثربخشی آن به آداب و شرائطی وابسته است که در قرآن و سیره معصومین علیهم السلام آمده است. بدون شناخت صحیح و آگاهی کامل از باورها و اندیشه های خویش و حریف مناظره و همچنین شناخت روش های آنان در فن مناظره و پرهیز از روش هایی که موجب سست شدن باورهای مخاطبان و بی اعتمادی به آنها می شود؛ مانند دروغ بستن، هتک حرمت یا تحریف منابع،

قبرها آن گونه که وهابیت ادعا می کند. برای آگاهی بیشتر از این مطلب، نک: آیین وهابیت، سبحانی، ص ۶۰.  
۱. محمد رشید بن علی رضا الحسینی، رسائل السنه و الشیعه لرشید رضا، ص ۴۴.

نمی‌توان به اثری مطلوب، دست یافت. همان‌گونه که مجال ندادن به طرف مناظره برای گفتن توضیحات و جواب دقیق، رعایت نکردن ادب، توهین کردن به مقدسات طرف مناظره مخصوصاً به شیعیان، تکفیر مسلمانان و شیعیان بدون اثبات کفر آنان، همگی از ویژگی‌های مناظرات وهابی‌هاست که به دلیل حاکمیت آنان، بیشتر در کشور عربستان و به ویژه در مکه مکرمه و مدینه منوره دیده می‌شود.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. أصول مذهب الشيعة الامامية الاثنى عشرية، عرض و نقد: محمد القفاري، دارالرضا للنشر و التوزيع، چاپ دوم، عربستان، ۱۴۱۸ق.
۳. الإمام أبو عبيد القاسم بن سلام، شرح رساله كتاب الإيمان، شرح: الشيخ عبد العزيز بن عبد الله الراجحي (نرم افزار مکتبه الشامله).
۴. ترمزی، محمد بن عیسی، موقع سنن موقع وزارة الاوقاف المصرية، بی تا (نرم افزار مکتبه الشامله).
۵. التیمی النجدی، محمد بن عبد الوهاب بن سلیمان، كشف الشبهات، وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد، المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۸ق.
۶. حسن بن يوسف (علامه حلی)، الجوهر النضيد فی شرح منطق التجريد، تحقیق، محسن بيدارفر، چاپ چهارم، انتشارات بيدار، قم، ۱۳۸۸ ش.
۷. دمشق، يحيى نووي، الأذكار النووية، تحقیق: محیی الدين، طبعه دار ابن كثير، ۱۴۰۷ق.
۸. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: محمد سيد گیلانی، انتشارات المکتبه المرتضويه، تهران، ۱۳۷۳ش.
۹. الزبيدي، تاج العروس، تحقیق: علی شیری، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، ۱۴۱۴ - ۱۹۹۴م.
۱۰. سبحانی جعفر، آيين وهايت، چاپ دهم، انتشارات مشعر، ۱۳۸۸هـ - ش.
۱۱. سبحانی، جعفر، بحوث فی الممل و النحل، چاپ پنجم، مؤسسه نشر اسلامي، قم، ۱۴۱۷ق.
۱۲. السنن، ابو عبدالرحمان الخراسانی، سنن، (نرم افزار مکتبه الشامله).
۱۳. سيدرضی، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی انتشارات مشرقين، چاپ چهارم، پاییز ۱۳۷۹.

۱۴. شرح العقيدة الطحاوية لابن جرير (نرم افزار مكتبه الشامله).
۱۵. الشهرستاني، محمد بن عبدالكريم بن محمد، الملل و النحل، الناشر دار المعرفه - بيروت، ۱۴۰۴ق.
۱۶. شيخ صدوق، التوحيد، جامعه مدرسين، چاپ اول، قم، ۱۳۸۹ ق.
۱۷. طباطبائي، محمد حسين، تفسير الميزان، ترجمه: سيد محمد باقر موسوي همداني، جامعه مدرسين حوزه علميه، قم، ۱۳۷۴ ش.
۱۸. طبرسي، احمد بن علي، الإحتجاج على أهل اللجاج، ترجمه: حسن مصطفوي، ناشر سنائي، تهران، ۱۳۷۵ق.
۱۹. العثيمين، محمد بن صالح، القول المفيد على كتاب التوحيد، الطبعة: الثانية، دار ابن الجوزي، المملكة العربية السعودية، محرم ۱۴۲۴ق.
۲۰. القلموني الحسيني، محمدرشيد بن علي رضا، رسائل السنه والشيعة، تعليقه: محمد أحمد العباد، الطبعة الثانية، دار المنار، القاهرة، ۱۳۶۶ هـ - ۱۹۴۷ م.
۲۱. كليني، محمد بن يعقوب، اصول كافي، ترجمه و شرح فارسي: محمد باقر كمره اي، چاپ هفتم، اسوه، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۲۲. لويس معلوف، المنجد، ترجمه: مصطفی رحيمي نيا، چاپ دوم، انتشارات صبا، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۲۳. مجلسي، محمد باقر، بحار الانوار، ۱۱۰ جلدی، انتشارات وفا، بيروت، بيتا.
۲۴. مظفر، محمدرضا، المنطق، دارالعلم، قم، ۱۳۷۵ ش.
۲۵. مقاتل بن عطيه، المناظرات بين فقهاء السنه وفقهاء الشيعة، تحقيق: إعداد و تعليق: صالح الورداني چاپ الأولى، الغدير للدراسات و النشر، بيروت، لبنان، ۱۴۱۹ - ۱۹۹۹.
۲۶. نيشابوري، مسلم بن حجاج، صحيح مسلم، دار الافاق، بيروت، بيتا (نرم افزار مكتبه الشامله).